

کودکی ده ساله که دست چپش در يك حادثه رانندگی از بازو قطع شده بود، برای تعلیم فنون رزمی جودو به يك استاد سپرده شد. پدر كودك اصرار داشت استاد از فرزندش يك قهرمان جودو بسازد استاد پذیرفت و به پدر كودك قول داد كه يك سال بعد می تواند فرزندش را در مقام قهرمانی كل باشگاه ها ببیند.

در طول شش ماه استاد فقط روی بدن سازی كودك كار كرد و در عرض این شش ماه حتی يك فن جودو را به او تعلیم نداد. بعد از ۶ ماه خبر رسید كه يك ماه بعد مسابقات محلی در شهر برگزار می شود. استاد به كودك ده ساله فقط يك فن آموزش داد و تا زمان برگزاری مسابقات فقط روی آن تك فن كار كرد. سر انجام مسابقات انجام شد و كودك توانست در میان اعجاب همگان با آن تك فن همه حریفان خود را شكست دهد!

سه ماه بعد كودك توانست در مسابقات بین باشگاه ها نیز با استفاده از همان تك فن برنده شود و سال بعد نیز در مسابقات کشوری، آن كودك يك دست موفق شد تمام حریفان را زمین بزند و به عنوان قهرمان سراسری کشور انتخاب گردد.

وقتی مسابقات به پایان رسید، در راه بازگشت به منزل، كودك از استاد راز پیروزی اش را پرسید. استاد گفت: "دلیل پیروزی تو این بود كه اولاً به همان يك فن به خوبی مسلط بودی، ثانیاً تنها امیدت همان يك فن بود و سوم اینکه راه شناخته شده مقابله با این فن، گرفتن دست چپ حریف بود كه تو چنین دستی نداشتی!

نتیجه داستان:

یاد بگیر كه در زندگی، از نقاط ضعف خود به عنوان نقاط قوت خود استفاده کنی. راز موفقیت در زندگی، داشتن امکانات نیست، بلکه استفاده از "بی امکانی" به عنوان نقطه قوت است".